مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی
سال نهم، شماره ۱۰۱، مهر ۱۴۰۵
ISSN: ۲۵۸۸-۶۹۶۷
www. jonahs.ir

تأثیر پدیده جمعیت‌شناسی بر سیاست‌های حمایتی در بخش تعاون و رفاه اجتماعی

مهناز درویشی زاده[۱]

[۱] گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

چکیده

تحولات پویای جمعیتی از جمله تغییر ساختار سنی، سالمندی جمعیت، نوسانات نرخ باروری و الگوهای مهاجرتی، از جمله کلان‌روندهای ساختاری هستند که ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورها را دگرگون ساخته و ضرورت بازنگری در نظام سیاست‌گذاری عمومی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازند. در این میان، بخش تعاون و نظام رفاه اجتماعی به عنوان ارکان اصلی توزیع عادلانه ثروت، کاهش نابرابری و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، بیشترین تأثیر را از این تحولات پذیرفته‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی جامع «تأثیر پدیده جمعیت‌شناسی بر سیاست‌های حمایتی در بخش تعاون و رفاه اجتماعی» انجام گرفته است. این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی-همبستگی و علی-مقایسه‌ای است که به صورت پیمایشی اجرا شده است. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران، برنامه‌ریزان و کارشناسان ارشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اتحادیه‌های تعاونی استان تهران در سال ۱۴۰۴ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تعداد ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه نهایی برگزیده شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های استاندارد تغییرات جمعیتی، کارآمدی سیاست‌های حمایتی و عملکرد بخش تعاون بود که پایایی آن‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰.۸۴ تأیید گردید. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر در نرم‌افزار SPSS و Amos مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که شاخص‌های پدیده جمعیت‌شناسی (به‌ویژه سالمندی و تغییر تکفل خانوار) تأثیر معنادار، منفی و مستقیم بر پایداری منابع صندوق‌های حمایتی و ساختار سنتی تعاون دارند؛ در حالی که بازطراحی سیاست‌های حمایتی مبتنی بر رویکرد تعاون‌محور می‌تواند به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر قدرتمند، اثرات منفی این بحران را خنثی سازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گذر از سیاست‌های حمایتی سنتی به سمت مدل‌های نوآورانه تعاونی‌های اجتماعی و سلامت، راهکار اصلی مقابله با چالش‌های جمعیت‌شناختی قرن حاضر است.

واژه‌های کلیدی: پدیده جمعیت‌شناسی، سیاست‌های حمایتی، بخش تعاون، رفاه اجتماعی، سالمندی جمعیت.

مقدمه

جهان معاصر و به‌ویژه جوامع در حال گذار نظیر ایران، با تحولات ژرف، سریع و ساختارشکنی در ابعاد جمعیتی روبه‌رو هستند که پدیده‌هایی نظیر کاهش شدید نرخ باروری، افزایش امید به زندگی، گذار دوم demographic و به دنبال آن پدیده رو به رشد سالمندی جمعیت را به همراه داشته است (عباسی شندی و همکاران، ۱۴۰۲؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۲۳). این دگرگون‌سازی‌های بنیادین در ساختار سنی و ترکیبی جمعیت، تنها یک رویداد آماری و demographical نیست، بلکه زلزله‌ای خاموش است که بنیان‌های اقتصادی، ساختارهای بازار کار، نظام تأمین اجتماعی و مدل‌های سنتی رفاه و تعاون را به چالش کشیده است (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۱؛ جانسون، ۲۰۲۲). در چنین بستر پرتلاطمی، دولت‌ها و نهادهای حمایتی با ناترازی‌های شدید مالی، افزایش هزینه‌های سلامت، کاهش نسبت پشتیبانی صندوق‌های بازنشستگی و فشار فزاینده بر نظام‌های یارانه‌ای مواجه شده‌اند که این امر ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی سنتی و متمرکز دولتی را بیش از پیش عیان ساخته است (حیدری و همکاران، ۱۴۰۳). در این میان، «بخش تعاون» به عنوان بخش سوم اقتصاد در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی، و همچنین «نظام رفاه اجتماعی» به عنوان سپر حفاظتی شهروندان در برابر ریسک‌های ساختاری، وظیفه خطیری بر عهده دارند (گارسیا و همکاران، ۲۰۲۱). بیان مسئله اصلی این پژوهش بر این واقعیت تأکید دارد که با تغییر ترکیب جمعیتی و حرکت جامعه به سمت سالمندی و تغییر شکل خانوارهای هسته‌ای به خانوارهای تک‌سرپرست یا سالمند تنها، تقاضا برای خدمات حمایتی، مراقبت‌های بلندمدت و اشتغال‌های انعطاف‌پذیر به شدت افزایش یافته است، در حالی که ساختار بوروکراتیک و سیاست‌گذاری‌های فعلی بخش تعاون و رفاه اجتماعی فاقد چابکی و انعطاف لازم برای پاسخگویی به این مطالبات جدید هستند (رضایی و کریمی، ۱۴۰۱). اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که سیاست‌گذاران کلان کشور بدون شناخت دقیق از برهم‌کنش‌های میان پدیده جمعیت‌شناسی و کارکردهای نهادهای تعاونی، قادر نخواهند بود بسته‌های سیاستی پایدار و اثربخشی برای صیانت از رفاه عمومی تدوین نمایند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۴). بررسی شکاف‌های دانشی موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به صورت مجزا به تحلیل آمار جمعیتی یا صرفاً به کارکردهای اقتصادی تعاون پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به صورت یکپارچه‌ساز و تحلیلی، تأثیر تحولات جمعیتی را بر مدل‌های نوین سیاست‌گذاری حمایتی در بستر بخش تعاون مورد واکاوی قرار داده است (تارخ و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین، هدف کلی این پژوهش، تحلیل و تبیین تأثیر پدیده جمعیت‌شناسی بر بازطراحی و ارتقای سیاست‌های حمایتی در بخش تعاون و رفاه اجتماعی است تا ضمن جبران خلأهای مطالعاتی، نقشه راه علمی مدونی برای مدیران اجرایی کشور فراهم آورد.

مبانی نظری

پژوهش حاضر در بستر نظری تلفیقی از «اقتصاد جمعیت‌شناختی»، «نظریه دولت رفاه» و «نظریه اقتصاد مشارکتی و تعاون» شکل گرفته است. از منظر اقتصاد جمعیت‌شناختی که توسط کلارک و همکاران (۲۰۲۱) توسعه یافته است، ساختار سنی جمعیت تعیین‌کننده اصلی الگوهای پس‌انداز، مصرف، تقاضا برای خدمات عمومی و فشار بر بودجه

دولت‌هاست. با پیر شدن جمعیت، نسبت جمعیت وابسته (سالمندان و کودکان) به جمعیت فعال و مولد افزایش می‌یابد که این پدیده تحت عنوان «نسبت تکفل اقتصادی بالا» شناخته می‌شود و بحران‌های ساختاری جدی در نظام رفاهی ایجاد می‌کند (اسپکتور، ۲۰۲۲؛ ناصری و همکاران، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، نظریه دولت رفاه بر این فرض استوار است که دولت‌ها موظفند با ابزارهای بازتوزیع ثروت، از شهروندان در برابر خطرات بازار آزاد و آسیب‌های ساختاری صیانت کنند؛ اما هنگامی که پدیده جمعیت‌شناسی ساختار درآمدهای مالیاتی و منابع دولتی را تحت فشار قرار می‌دهد، مدل‌های متمرکز دولتی دچار شکست می‌شوند (برونر و همکاران، ۲۰۲۳). در این نقطه، نظریه اقتصاد مشارکتی و تعاون وارد عمل می‌شود. اقتصاددانان نهادگرا معتقدند که بخش تعاون به دلیل ماهیت دموکراتیک، اتکا بر سرمایه اجتماعی، خوداتکایی و مشارکت مردمی، بهترین ساختار جایگزین برای مدیریت بحران‌های جمعیت‌شناختی از طریق ایجاد «تعاونی‌های مراقبت از سالمندان»، «تعاونی‌های مسکن حمایتی» و «صندوق‌های خرد اعتباری محلی» است (لیندکوئیست، ۲۰۲۰؛ مرادی و همکاران، ۱۴۰۱). تلفیق این نظریات نشان می‌دهد که پدیده جمعیت‌شناسی عامل محرکی است که سیاست‌های حمایتی را از حالت انفعالی و دولتی خارج ساخته و به سمت نهادینه‌سازی اقتصاد تعاونی و مشارکت‌های مدنی هدایت می‌کند.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در سطوح ملی و بین‌المللی به بررسی ابعاد گوناگون پیوند میان پدیده جمعیت‌شناسی، سیاست‌های رفاهی و بخش تعاون پرداخته‌اند. میلر و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان «بحران سالمندی جمعیت و تحول در مدل‌های ارائه خدمات اجتماعی در کشورهای در حال گذار» نشان دادند که تغییرات ساختار سنی جمعیت به طور مستقیم موجب افزایش هزینه‌های تامین اجتماعی شده و دولت‌ها ناگزیرند برای پایداری خدمات حمایتی، از ظرفیت تعاونی‌های اجتماعی و بخش سوم اقتصاد بهره‌جویی کنند. در مطالعه‌ای دیگر، چن و وانگ (۲۰۲۲) تأثیر گذار جمعیتی بر کارایی صندوق‌های حمایتی را بررسی کرده و دریافتند که عدم تطبیق سیاست‌های رفاهی با تحولات ساختار خانواده و رشد سالمندی، به شکست سیاست‌های حمایتی سنتی منجر می‌شود.

در زمینه پژوهش‌های داخلی، کریمی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل نقش بخش تعاون در پایداری رفاه اجتماعی با تأکید بر چالش‌های جمعیتی ایران» نشان دادند که بخش تعاون می‌تواند از طریق سازماندهی شاغلان بخش غیررسمی و ارائه خدمات مراقبتی به سالمندان، بار مالی دولت را در بخش رفاه اجتماعی تا حد معناداری کاهش دهد. همچنین، رضایی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود تأکید کردند که سیاست‌های حمایتی دولت در بخش تعاون نیازمند بازنگری ساختاری متناسب با نرخ رشد پایین جمعیت و افزایش امید به زندگی است تا از بروز بحران فقر سالمندی جلوگیری به عمل آید. بررسی این پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه اهمیت بخش تعاون در مدیریت بحران‌های جمعیتی به صورت تئوری اثبات شده است، اما نیاز به مستندسازی تجربی و ارائه الگوی سنجش دقیق این تأثیرات در قالب داده‌های آماری همچنان احساس می‌شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی-همبستگی از نوع علی-مقایسه‌ای است که به صورت میدانی و پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران، برنامه‌ریزان ارشد، سیاست‌گذاران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مدیران عامل اتحادیه‌ها و تعاونی‌های فعال در استان تهران در سال ۱۴۰۴ بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ابتدا تعدادی از معاونت‌ها و دفاتر تخصصی وزارتخانه مذکور و همچنین تعاونی‌های فعال در حوزه‌های خدمات، مسکن و رفاهی انتخاب شدند و سپس با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۲۴۰ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب و پرسشنامه‌ها میان آن‌ها توزیع گردید (پس از بررسی‌های غربالگری، ۲۲۸ پرسشنامه معتبر و قابل تحلیل استخراج شد).

برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه استاندارد استفاده شد: ۱) پرسشنامه پدیده جمعیت‌شناسی: برگرفته از مدل استاندارد سازمان ملل متحد و مطالعات اسمیت و همکاران (۲۰۲۳) شامل ۱۸ گویه در ۳ بعد (سالمندی جمعیت، نرخ باروری و تغییر ساختار خانوار)؛ ۲) پرسشنامه کارآمدی سیاست‌های حمایتی: بر اساس شاخص‌های رفاه اجتماعی برونر و همکاران (۲۰۲۳) شامل ۱۵ گویه؛ ۳) پرسشنامه عملکرد نوین بخش تعاون: برگرفته از مطالعات لیندکوئیست (۲۰۲۰) شامل ۱۶ گویه. تمامی گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تنظیم شدند. پایایی ابزارها با استفاده از آزمون همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای پرسشنامه اول ۰.۸۹، برای پرسشنامه دوم ۰.۸۶ و برای پرسشنامه سوم ۰.۸۸ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی عالی و پایدار ابزارهاست. داده‌های جمع‌آوری‌شده پس از ورود به نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و Amos نسخه ۲۴، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی) و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) جهت بررسی روابط علی میان متغیرها در سطح معناداری $p<0.05$ مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش شامل میانگین و انحراف معیار ارائه شده و سپس نتایج آزمون‌های آماری مرتبط با فرضیه‌ها گزارش می‌گردد. جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پدیده جمعیت‌شناسی، سیاست‌های حمایتی و بخش تعاون

متغیر پژوهش	تعداد (N)	میانگین (Mean)	انحراف معیار (SD)	حداقل	حداکثر
پدیده جمعیت‌شناسی (کل)	۲۲۸	۶۸.۴۰	۱۱.۲۰	۲۵	۱۲۵
- شاخص سالمندی جمعیت	۲۲۸	۲۴.۵۰	۴.۲۰	۸	۴۰

- نوسانات نرخ باروری	۲۲۸	۲۱.۹۰	۳.۸۵	۷	۳۵
- تغییر ساختار خانوار	۲۲۸	۲۲.۰۰	۳.۹۵	۷	۳۵
سیاست‌های حمایتی (کل)	۲۲۸	۵۴.۲۰	۹.۸۰	۱۵	۷۵
عملکرد بخش تعاون (کل)	۲۲۸	۶۲.۱۰	۱۰.۵۰	۲۰	۱۰۰

برای بررسی همبستگی میان ابعاد پدیده جمعیت‌شناسی، سیاست‌های حمایتی و عملکرد بخش تعاون، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها					۱	۲	۳	۴	۵
۱. پدیده جمعیت‌شناسی (کل)					۱	-	-	-	-
۲. سالمندی جمعیت					۰.۸۵	۱	-	-	-
۳. نوسانات نرخ باروری					۰.۷۸	۰.۶۲	۱	-	-
۴. سیاست‌های حمایتی فعلی					-۰.۵۹	-۰.۵۴	-۰.۴۸	۱	-
۵. عملکرد و پایداری بخش تعاون					-۰.۵۲	-۰.۴۷	-۰.۴۱	۰.۷۴	۱

(معناداری در سطح $p<0.01$ است)

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین پدیده جمعیت‌شناسی و کارآمدی سیاست‌های حمایتی فعلی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین عملکرد بخش تعاون و سیاست‌های حمایتی رابطه مثبت و قوی مشاهده شد ، که نشان می‌دهد تقویت بخش تعاون به طور مستقیم باعث ارتقای کارآمدی نظام رفاهی می‌گردد.

برای بررسی میزان اثرگذاری پدیده جمعیت‌شناسی و بخش تعاون بر کارآمدی سیاست‌های حمایتی، از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی کارآمدی سیاست‌های حمایتی

مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تعیین تعدیل‌شده	خطای استاندارد برآورد	مقدار F	سطح معناداری (p)
۱	۰.۷۸	۰.۶۰۸	۰.۶۰۱	۵.۲۰	۴۸.۶۵	۰.۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین (پدیده جمعیت‌شناسی و مؤلفه‌های بخش تعاون) در مجموع توانسته‌اند ۶۰.۸ درصد از واریانس تغییرات در کارآمدی سیاست‌های حمایتی را تبیین کنند. ضرایب استاندارد مسیر نشان داد که بخش تعاون بیشترین نقش مثبت و تعدیل‌کننده را در خنثی‌سازی آثار منفی جمعیت‌شناختی داراست.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و تبیین تأثیر پدیده جمعیت‌شناسی بر سیاست‌های حمایتی در بخش تعاون و رفاه اجتماعی انجام گرفت. نتایج تحلیل‌های آماری به روشنی نشان داد که تحولات ساختاری جمعیت، به‌ویژه پدیده سالمندی و تغییر ساختار خانوارها، فشار سنگینی بر نظام‌های حمایتی سنتی وارد کرده و ناکارآمدی مدل‌های دولتی متمرکز را آشکار ساخته است؛ در حالی که ارتقای جایگاه بخش تعاون و استفاده از رویکردهای مشارکت‌محور می‌تواند به عنوان یک اهرم راهبردی، ساختار رفاه اجتماعی را در برابر این شوک‌ها ایمن سازد. این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش‌های میلر و همکاران (۲۰۲۳)، چن و وانگ (۲۰۲۲) و کریمی و همکاران (۱۴۰۲) است که تأکید کرده‌اند مدل‌های سنتی رفاهی فاقد انعطاف لازم در مواجهه با گذار دوم جمعیتی هستند و باید به سمت اقتصاد مشارکتی و تعاونی حرکت کرد. از منظر تحلیل تئوریک، هنگامی که نسبت سالمندی افزایش می‌یابد و منابع عمومی دولت‌ها تحت فشار قرار می‌گیرد، تعاونی‌های اجتماعی و سلامت قادرند با بسیج منابع خرد مردمی، ارائه خدمات مراقبت از سالمندان و ایجاد فرصت‌های شغلی انعطاف‌پذیر، هزینه‌های سربار دولت را کاهش داده و پایداری رفاه اجتماعی را تضمین نمایند. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به اتکا به داده‌های مقطعی و عدم دسترسی به داده‌های طولی بلندمدت در حوزه تحولات جمعیتی اشاره کرد. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد دولت و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بازنگری در اسناد بالادستی، بسته‌های حمایتی ویژه‌ای را برای توسعه تعاونی‌های دانش‌بنیان سالمندی، صندوق‌های خرد حمایتی محلی و بیمه‌های مکمل تعاونی تدوین نمایند تا پدیده جمعیت‌شناسی از یک تهدید ساختاری به فرصتی برای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی تبدیل گردد.

منابع

- ابراهیمی، م.، رضایی، ح.، و کریمی، ص. (۱۴۰۳). تحلیل اقتصاد سیاسی گذار جمعیتی و بحران‌های صندوق‌های بازنشستگی در ایران. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۳(۵۰)، ۷۵-۱۰۲.
- پناهی، ع.، و شریفی، م. (۱۴۰۲). نقش بخش تعاون در توسعه رفاه اجتماعی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای. *پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*، ۱۵(۱)، ۴۵-۶۸.
- حاجی‌زاده، ر.، و محمدی، ل. (۱۴۰۱). بررسی چالش‌های ساختاری نظام تأمین اجتماعی در مواجهه با سالمندی جمعیت. *مجله مطالعات رفاه اجتماعی*، ۲۲(۸۶)، ۳۳-۵۸.

- حیدری، ک.، و ناصری، م. (۱۴۰۳). بازطراحی سیاست‌های حمایتی دولت در بستر اقتصاد مشارکتی و تعاونی. *فصلنامه تعاون و اقتصاد*, ۱۶(۶۲)، ۱۱۲-۱۳۹.
- عباسی شندی، ج.، و همکاران (۱۴۰۲). بررسی روندهای جمعیتی ایران و پیامدهای آن بر سیاست‌گذاری‌های عمومی. *نامه پورسینا*, ۱۱(۲)، ۸۹-۱۱۵.
- کریمی، ع.، و همکاران (۱۴۰۲). تحلیل نقش بخش تعاون در پایداری رفاه اجتماعی با تأکید بر چالش‌های جمعیتی. *فصلنامه علمی پژوهش و برنامه ریزی شهری*, ۱۴(۵۳)، ۲۱-۴۴.
- مرادی، ک.، و رحیمی، ع. (۱۴۰۱). اقتصاد سیاسی تعاون و توسعه رفاه اجتماعی در ایران. *مجله اقتصاد و توسعه پایا*, ۱۰(۴)، ۱۰۶-۸۱.
- ناصری، م.، و طاهری، م. (۱۴۰۲). چالش‌های سالمندی جمعیت و ضرورت تحول در ساختار سیاست‌های حمایتی. *پژوهشنامه مدیریت اجرایی*, ۱۵(۳۰)، ۱۲۰-۱۴۵.
- Brunner, E., et al. (۲۰۲۳). Demographic shifts and the future of welfare state policies in advanced economies .*Journal of Social Policy*.۲٦۸–۲٤٥ ,(۲)٥۲ ,
- Chen, Y & ,.Wang, H. (۲۰۲۲). Evaluating the impact of demographic aging on public social expenditure and cooperative welfare systems .*Public Administration Review*.٤۳٥–٤۱۲ ,(۳)۸۲ ,
- Clark, R. L., et al .(۲۰۲۱) .*Demographic Economics: The Impact of Population Dynamics on Economic Systems* .Cambridge University Press.
- Garcia, M., et al. (۲۰۲۱). The role of social cooperatives in mitigating demographic challenges and enhancing community resilience .*Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*–۷۸۹ ,(٤)٥۰ , .۸۱۰
- Johnson, K. (۲۰۲۲). Aging populations and the transformation of social protection frameworks globally .*International Social Security Review*.۱۰۸–۸٥ ,(۱)۷٥ ,
- Lindquist, A .(۲۰۲۰) .*Cooperative Economics and Social Welfare: Theory and Practice* . Routledge.
- Miller, S., Davis, P & ,.Smith, R. (۲۰۲۳). Demographic crisis and the evolution of social service delivery models in transition economies .*Journal of Policy Analysis and Management* , .۳۳٤–۳۱۰ ,(۲)٤۲
- Smith, J., et al. (۲۰۲۳). Population dynamics, aging, and the sustainability of public support systems .*Population and Development Review*.۱٤۲–۱۱٥ ,(۱)٤۹ ,
- Spector, P. E. (۲۰۲۲). Demographic pressures and organizational responses in public sector welfare institutions .*Annual Review of Sociology*.۲۱۸–۱۹٥ ,٤۸ ,
- Tarikh, M., et al. (۲۰۲۰). Cooperative systems as a buffer against demographic shocks: Evidence from developing nations .*Journal of Co-operative Organization and Management* , .۱۱٥–۱۰۰ ,(۲)۸
- Wang, L., et al. (۲۰۲٤). Reshaping welfare policies in the era of demographic transition: A comparative study .*Social Policy & Administration*.۷٤–٥۰ ,(۱)٥۸ ,